

الانبر

ده افغانان کابل

سر دیر

سید محمد قاسم

همه امورات تحریریه بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقالات

وارده مختار است

در هر هفته یکبار نشر میشود

اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود

درین جریده از هرگونه علوم ووقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

امان افغانان

۷ ۳ ۱۳ ۶

از ابناء وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش جریده برایش فرستاده میشود

تپا یک شماره یک عباسی

قیمت سالانه از وزراء و اعیان دولت بقدر معارف دوستی شان

برای مکاتب و کتب خانهای ملی و معاونین و وقایع نگاران (فقیری) رایگان

از عموم خریداران در داخله

(۱۲) رویه کابل در خارجه

نیم پوند انگلیسی با محصول پوسته

از طلاب و محصلین نصف قیمت

شش ماه

داخله خارجه

(۸) رویه (۷) شلنگ

تاریخ شمسی ۱۲ سرطان ۱۳۰۲ شمسی مطابق ۱۹ ذی قعدة ۱۳۴۱ قمری تاریخ انگریزی ۴ جولائی ۱۹۲۳ عیسوی

فصلنامه

مقالات اساسیه

(۱) تاریخچه و قایع مهمه دنیا در سال (۱۳۰۱) (۲) لطف جنرال قونسل دولت علیه افغانستان بموقع اعتلای لیبای عثمانی در مشهد (۳) حریق مدعش در منده فی کابل .

حوادث داخله

(۴) حاصلین فن پله کشی (۵) محصلین مکتب اضاة (۶) شرکت نمر (۷) شرکت امانیه (۸) وزارتها در صیفیه بامان (۹) حریق (۱۰) وقت (۱۱) ایضا -

حوادث خارجه

(۱۲) عید سعید فطر در انگلستان (۱۳) کانفرنس لوزان (۱۴) کابینه جدید ایران (۱۵) تقدیم اعتبارنامه - (۱۶) صرف افطار (۱۷) انتخاب وزیر مختار (۱۸) قرارداد تجارتی ایران و روسیه (۱۹) ورود قوای انگلیس در جنوب ایران (۲۰) انگلیسها در بین النهرین (۲۱) جنک بزرگ در مراکش (۲۲) ترقی روسیه (۲۳) جمهوریهای روسیه (۲۴) لطف تروئسکی (۲۵) فوقیت قوه بحریه امریکه ۲۶ پروباغند انگلیس برخلاف روسیه ۲۷ قول ۲۸ اخطار اداری

(شرایط درج کردن اعلانیها)

از اهالی داخله و خارجه سوا کرانی که مال تجارتی و صنعتگرانی که صنعت خود شانرا در (امان افغان) اعلان و اشتهار کردن میخواهند ، و یادیکر هر رقم اعلان و اشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج و شایع میشود : اعلانیکه در متن اخبار از یکبار تا پنج بار نشر و شایع شود بر سر هر سطر ۱ یک رویه کابلی (که معادل یک فرانک است) و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر یک قران یعنی نیم رویه کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه در صفحه آخری درج شود از یک بار تا پنج بار فی سطر یک قران یعنی نیم رویه کابلی و اگر از پنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی یعنی ربع رویه اجرت گرفته میشود . طول سطر یک سطر اخبار ما (۳ - پنج - ۴ سوت) میباشد هرگاه شخصی اعلان خود را متادیا تا یک سال نشر کردن خواهد و وجه یک ساله را پیشکی ادا نماید در صفحه آخری بشتی بر سر سطر سنا (سدس رویه) اجرت گرفته میشود . از اعلانات معارفی نصف اجرت گرفته میشود

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تاریخچه وقایع مهمه دنیا در سال ۱۳۰۱

سال ۱۳۰۱ نسبت بسالهای سابق دارای حوادث مهمی نیست و بیشتر ازین دو واقعه بالنسبه مهم بیشتر در این سال رخ نداده است که اعظم آنها منقلب شدن نقشه مسئله شرق است مسئله شرق یعنی تعیین آخرین تکلیف دولت عثمانی یکی از مهمترین مسائل مشکله دنیا است و متجاوز از صد سال است که اروپائیان را مشغول داشته و مکرر نقشه های عذیده برای حل آن رسم کرده و صورت خارجی نکرده است . مطابق نظریه لایب جارج رئیس الوزراء سابق انگلستان بعد از انفصال او از ریاست وزراء در منچستر ایراد نمود نقشه متفقین بعد از ختم جنگ عمومی محو کامل دولت عثمانی بود در صورتیکه ظاهرا میکنند اسلام بول و خا طارک نشین باید ضمیمه حکومت ترک بوده و در این قسمت مستقل باشد ، ولی سرا ان مملکت را هم قسم کرده قسمی از جنوب غربی اناتولی را به ایتالیا و ایالت (کیلی کیا) را که زمین طلا ملقب است فرانسه داده قسمت شرقی اناتولی را هم بعنوان حکومت کردی می خواستند ظاهرا مستقل و باطن تحت الحمايه انگلیس قرار دهند اسلامبول و بغاز هارا صورتاً بین المللی و معنا منطبقه فوذ انگلیس سازند ایالت زرخیز ادنا و از میرو کالیپولی را با تمام قسمت اروپای عثمانی یعنی ادرنه و قرق کلیسا و کلیه ترانس شرقی را به یونان واگذار نمایند و از حیث غرامات طوری بار عثمانی را سنگین کنند که نتواند کمر راست کند و قوای نظامیش را به سی هزار نفر محدود سازد که در منتهی درجه باضعف گرفتار باشد و همیشه متوسل باروپائیان گردد ، ولی ملت باشاهات ترک این ذلت و مسکنت را قبول نکرده سربلند کرد ، و در تحت ریاست سرداران رشید و دلیر خود که رئیس فل آنها مصطفی کمال پاشا بود قیام ملی نمود ، و ثابت کردند که ملت ترک يك ملت زنده و حساس و مستحق حیات و استقلال است ، و همینکه اروپائیان این حقیقت را ادراک کردند ناچار تسلیم گردیده و دانستند که با یک چنین ملت حساسی که دوازده سال است اسلحه خود را بر زمین نهاده و ناگهلا بمقصود خود رسد و امالش مطابق ميثاق وطنی صورت نگیرد شمشیر را در نیام نخواهد کرد ، اینست رسم اروپا که هر کس را زنده و حساس دید پیرامون مزاحمت میبرد و هر که را خفته و بی حس دید بدو طمع کرده چو کدو خود را در آن ملت فرو میبرد این چاره مللی که غافل هستند!

حادثه دیگر که ظاهرا آن قدرها بزرگ بنظر نمی آید ولی مبداء يك مبارزه عظیمی در انیه خواهد گردید ظهور حزب فاشیست است ، این حزب عیناً در نقطه مقابل حزب کمونیست اشتراکی واقع شده ، هالطور که کمونیست میخواهد متنفذین را از بین برده سلطنت را محو سازد و حیثیت نظامی را در ردیف عملی و کارگری قرار داده و اموال و کارخانه جات را ضبط کند ، فاشیست برعکس مالکیت شخصی را محترم شمرده بپادشاه احترام و سلطنت را ابقا و حکومت را در دست قوای نظامی می خواهد . باید گفت نژاد رومی و افراط کمونیست در ایتالیا و مجارستان و اطراف آنها طامه را برخلاف آنها شورانید ، زیرا که حزب اشتراکی بی مقدمه شروع به ضبط کارخانه جات و دارائی اشخاص و چپاول نموده و بدون اینکه نظام قدیم را تغییر دهد و حکومت را در دست گیرد مرادم افراطی آنها را اعلام موقع اجرا می نماید ، و بعبارة اخری جمعی اوباش و لوطی بنام حزب اشتراکی بکارخانه ها و املاک دارندگان ریخته و امنیت ملی و جانی را از مردم سلب کردند . این حوادث باعث ایجاد حزب فاشیست گردید ، و ابتدا در مملکت ایتالیا قوت گرفته سر بلند کردند ، و بسرعت مجیبی بر ایالات و ولایات مسلط شده تا پایتخت ایتالیا شهر رم پیش تاختند ، و چون مقام سلطنت را تثبیت کردند ، و پادشاه بداهما مایل بود ، باسانی زمام حکومت را بدست گرفته و انتظار می رود زودی در سایر ممالک اروپا این حزب نیز قوت یافته و در مقابل اشتراکیون بتواند مقاومت نماید .

از وقایع اقتصادی مهم در این سال که اثرات آن بدنیای قدیم و جدید بالنسبه سرایت کرد ، مسئله تنزل مارک المان بود از زمان ختم جنگ عمومی که متفقین مخصوصاً فرانسه تحمیلات طاقت شکنی بآلمان وارد ساختند آنچنان تحمیلی که نظیرش از بدو عالم دیده نشد ، و غرامت پنج ملیار فرانک جنگ ۷۰ [جنگ هفتاد نام جنگی است که در سنه (۱۸۷۰) عیسوی بین المان و فرانسه واقع و در نتیجه فرانسه مغلوب شده مبلغ مذکور را باناحیه الزام و لورین شرقی به المانیا داد] در جنب آن حکم صفر را داشت . به بسیاری از عقلا و متخصصین فن اقتصاد این تحمیل را تقییح کرده و صریحاً میگویند و رشکستی المان و رشکستن تمام دنیا است ، نباید گذاشت المان مفلس و تهی دست گردد ، زیرا در آن هنگام تمام دنیا دچار افلاس و خسارت خواهد شد ، ولی مابین حقایق کوش نداده و فشار را بر المان زیاد کردند و مطالبه غرامت اتراف نمودند ، المان ناچار شده مقادیر بی حسابا مارک کاغذی طبع کرده بخارج فرستاده و فروش رسانند ، و وجه اثر را به متفقین بپردازند ، قیمت مارک کاغذ تنزل کرد و مارکی

نمود ، انگلیس و ایتالیا نیز با فرانسه موافقت کردند عده از رؤساء حزب اتحاد و ترقی عثمانی از قبیل طلعت پاشا و کترشا کر و جمال پاشا و غیره بدست ارامنه مقتول شدند . انور پاشا هم در همین اوقات در محاربات با روسیه به شهادت رسیدند

دولت یونان از اضطرار نقشه جدیدی طرح کرده و استقلال داخلی از میر را در ۱۴ اسد اعلان کرد ولی دول معظمه قبول نکردند ، از رور اول سنبله فتوح درخشان تر که شروع شد در ۲۱ سنبله به شکست کامل یونان و اسارت نود هزار قشون یونانی و دستگیری رئیس کل ارکان و غنیمت بی حساب اموال و اسلحه منتهی گردید ، یونان در ۲۲ سنبله بکلی از امپراتولی را تخلیه کرد در ۲۳ جشن این فتح را در اسلامبول و تمام بلاد ترکی و بسیاری از ممالک اسلامی گرفتند ، شهر از میر چه از طرف یونانها در موقع تخلیه و چه از ترکان در موقع تصرف دچار حریق و قتل و غارت بی حساب گردید تر کها بکمره هازم بغازها و اسلامبول گردیده انگلیس ها در صدد ممالک برآمده روابط ترک و انگلیس تیره گردید و خطر جنگ پیش آمد لاید جارج در صدد برآمده بقوه جبریه آترک را مانع کرد ، بدین سبب به متفقین خود انگلیس و مستعمرات مستقل امپراطوری مراجعه کرد ، ولی فرانسه بالصراحه جواب منفی داد پوانکاره اظهار کرد که فرانسه حق یک سپاهی خود را برضد تر کها اعزام نمیدارد ، ایتالیا نیز مثل فرانسه جواب داد مستعمرات انگلیس هم اغلب حاضر به جنگ نشدند لاید جارج دچار افلاس سیاسی گردید ، به طوریکه جراند نوشتند از بدو ارتباط با مشرق چنین وقتی بانگلیس وارد نشده بود ، و در نتیجه همین افلاس سیاسی مقامش متزلزل شده حزب محافظه کار از او جدا شده و اکثریت پارلمان که از او حمایت میکرد معدوم و در نتیجه کابینه لوید جرج در ۲۹ میزان ساقط گردید ، انگلیس از فلجاری متوسل به فرانسه شد ، فرانسه فرانکن بویور را نزد مصطفی کمال فرستاد . او را راضی کردند که موقتا از اعزام قشون و تصرف بغازها دست نگاهدارد ، و کنفرانس سری مدانیه در ساحل دریای مرمره منعقد گردید ، و اساسا متفقین حاکمیت عثمانی را در بغازها و اسلامبول و طراس شرقی قبول کردند ، و ضمناً شرط شد تاختم کنفرانس لوزان بغازها در دست متفقین باقی ماند ، و ختم قضیه بکنفرانس لوزان محول شد ، کشتی نایا کاری امریکا با ۳۰۰ نفر ۱۵ سنبله غرق و در همین وقت جنگ هفت ساله شمال و جنوب چین خانمه یافت . انقلاب در یونان بواسطه شکست از ترکان شروع شد قسطنطین پادشاه یونان استعفا و از

یونان خارج و جارج دوم ولیعهدش به پادشاهی منصوب کابینه انقلابی تشکیل و وزراء و سرداران مسبب جنگ را محاکمه و با مخالفت جدی انگلیس آنها را علناً اعدام کردند کنفرانس مدانیه ۱۶ میزان افتتاح و در ۲۰ امضای قرار داد مدانیه انجام یافت . سلطان محمد سادس سلطنت عثمانی را ۲۰ میزان گذارده و در ۱۶ عقرب به کشتی انگلیس پناهنده و در تحت حمایت انگلیس به مالتا حرکت کرد کابینه لاید جارج که ساقط شده بود جای خود را بکابینه بنارلا که در ۶ عقرب تشکیل یافت تفویض نمود . در ایتالیا کابینه فاکتا بواسطه انقلاب فاشیست استعفا کرده و در ۱۴ عقرب موسولینی رئیس فاشیست رئیس الوزراء گردیده و کابینه خود را تشکیل داد ، کنفرانس لوزان مقدمات تشکیل فرامه کشته و در این موقع خلیفه جدید با انتخاب نمایندگان تعیین ، و شهزاده عبد الحمید بخلافت منصوب و مراسم تاجگذاری در اسلامبول بعمل آمده .

کنفرانس لوزان در سوئزرلند تشکیل یافت ، و چندین ماه طول کشیده هر چند زمینه معاهده در انجا ترتیب داده شد ولی مقبول ترکان نکرده و عصمت پاشا رئیس نمایندگان ترک به آنقره مراجعت کرد و چون صلح دران محفل بانجام نرسیده نوشتن فصول و مواد آن را لازم نمیدانیم در انگلستان انتخابات تجدید گردید و اکثریت را حزب محافظه کار ربود .

نطق جنرال قوادل محترم دولت افغانستان

(بموقع اعتلای بیرق ترک)

حضار محترم ! امروز میبیم در همه دیده های پاک امواج نور ، و در همه سیماهای مبارک فرح و جهور و در همه دلها وجد و سرور متللی و متموج است ! چرا ؟ برای اینکه امروز بیرق مبارک هلال و ستاره ، در ارض اقدس . از طرف بیرق مبارک شیر و خورشید پذیرفته شده و می خواهد مثل بیرق مبارک عراق و منبر با آن هم باز و برادر باشد برای اینکه امروز بیرق مقدس دولت علیه ترکیه بدست جناب آقای سامی یک باش شهبندر محترم در این مرکز مقدس خراسان در جوار روضه مطهر حضرت سیدنا نامن الائم علیه آلاف التنبه افرشته میشود ، برای اینکه این اتحاد عام المنفعه ما را با آینده درخشانی نوید میدهد .

حضرات ! کویا امروز بواسطه رافراشته شدن این بیرق مبارک روح تازه در این دلهای پاک و بی آرایش زول کرده است ، حلاوت مسرت عمومی امروز بقدر کلوسوز است که کوئی تمام لذایذ ذوقیه و روحانیه دنیا را در نسیم فرح بخش که از جانب آستانه مقدسه رضویه میوزد تعبیه کرده اند ، در

که ۲۵۰ عدوش در جنگ يك لیره بود در اوائل سال (۱۳۰۱) به هزار و چهار صد سارک يك لیره رسید و مدت مدیدی در این قیمت ثابت ماند و خریداران چندی نفع برده و اجناس زیاد بقیمت ارزان از آلمان خریدند و همینکه مقصود حاصل شد قیمت مارک نازل و روز بروز نازلتر شده در زمانیکه چهار هزار مارک يك لیره قیمت داشت بحساب تخمینی طمس لندن هفتصد میلیون لیره خسارت آمریکا از این معامله گردیده بود ، ولی این حد نه ایستاد ، به ده هزار و بیست هزار و سی و چهل بالا تر رفته در چند ماه قبل يك صد و بیست هزار مارک يك لیره گردید حالیه بعدی نازل یافته که سالاك مارک يك لیره معامله میشود و همانطوریکه عقلا پیش گوئی کرده بودند خسارت و افلاس آلمان بتمام دنیا سرایت کرد و عالمی را بد بخت ساخت ، و در آخر ازادای غرامت بکلی استنکاف کرد ، و فرانسه و بلژیک بدون رضای متفقین خود قسمتی از اراضی او را خاصه ناحیه روهرا را اشغال نمودند و هنوز هم نتیجه این حرکت عینف محققاً معلوم نیست ا در اوائل سال ، کنفرانس (جنیوا) تشکیل یافته و نمایندگان دول برای آنکه بتوانند قضیه روسیه را اصلاح کنند مشغول تبادل افکار بودند ، و این اول کنفرانسی بود که نمایندگان روسیه بلشویکی با نمایندگان دول اروپا در يك جا جمع شدند ، ولی انهمه مذاکرات مفصل و طولانی نتیجه بخشید ، و پیشنهادات چپچرین قبول نشد ، باید این سال (۱۳۰۱) را سال کنفرانس خواند ، چه تقریباً در تمام مدت سال کنفرانس های مختلف تشکیل یافته و مع التاسف هیچ يك از آنها که اولش کنفرانس (جنیوا) و آخرش کنفرانس لوزان بود نتیجه مثبتی بخشید ، این است رؤس مسائل عمده که در این سال واقع شده ، اینک بعضی جزئیات آن را به طور فهرست ذیلامی نگاریم :

کنفرانس (جنیوا) در موقع ورود سال (۱۳۰۱) ادامه داشت و در ماه می بدون نتیجه خاصی یافته ارت و تر که خود را بکنفرانس لاهه (شهرست مشهور در هالیند) تفویض کرد و نتیجه جزئی این کنفرانس فقط امضای قرارداد عدم تعرض بود . در اوایل سال ، استقلال مصر که در نظر مصریان جز ملقبه و بازی دیپلماتی پیش نبود اعلان گردید و خدیو مصر مقام پادشاهی و لقب اعلیحضرت را نائل گردید . امیر فیصل از قبول قیومیت انگلیس امتناع کرده و از امانت ملت صرب تصور کرد . مستر لاید جارج رئیس الوزرا انگلیس مقامش منزول گردید چنانکه میدانید لاید جارج در وسط جنگ رئیس الوزرا کشته قسمتی از حزب آزادی طلب انگلیس با حزب محافظه کار ائتلاف کرده و اکثریت حامی لاید جارج را تشکیل

دادند ، و در ماه می این اکثریت شروع بضعف نهاد ، و عده کثیری از آن جدا شدند ، چنانکه از ۶۲۵ نمایندگان فقط ۲۵۵ نفر در اکثریت باقی ماندند . کشتی انگلیس موسوم به (ازیبت) اول جوزا در بحر ابيض متوسط غرق و چندین میلیون طلا را در زیر دریامد فون کرد متن معاهده روس و آلمان معروف بمعاهده (رابالو) ۹ جوزا نشریافت دولت هالیند در ۱۲ جوزا دول را بکنفرانس لاهه دعوت کرد . فاشیست در ابطال قیام کرده و شروع باغتشاش نمود . کنفرانس پارلمانی تجارتی بین الملل در سورین - پاریس ۱۲ جوزا افتتاح یافت ۱۳ جوزا رئیس جمهوری چین استعفا کرد . معاهده دولتین عراق و نجد امضا گردید . در دمشق و سوریه برضد فرانسه و در عراق برضد انگلیس انقلابات زیاد رخ داد و دولتین علاج را در تضییق و فشار دیده آزادی طلبان را حبس و ضجر و جریحه و تبعید نمودند شهر سامسون در کنار بحر اسود از طرف قوای بحری یونان برخلاف قوانین بین المللی بمبارد گردید ، عثمانی و روسیه از این حادثه پروتست کردند و داشتهای قیصر و بیلهم در این موقع نشر و اشاعه یافت . کشتی کلمبوس آلمانی که صد هزار تن ظرفیت داشت در دفعه اول که باب افکننده شد در ۳ سرطان غرق گردید و بر ضحرت و ملالت آلمان افزود . ترکستان بقیادت انور پاشای معروف انقلاب یافته و برضد بلشویک برخاست . دو نفر از معروفترین رجال اروپا در این ماه بقتل رسیدند یکی (راستو) وزیر مالیه آلمان و بنعقد کنند معاهده رابالو که در ۲۵ سرطان مقتول شد و قاتلین در قصری مخفی شده و تا موقع گرفتاری خود را انکار نمودند . دیگری مارشال ویلسون انگلیس از سرداران نامی که در آیرلند بدست دو نفر انقلابی بقتل رسید . کنفرانس لاهه منعقد گردید قطعی در روسیه هنوز شدت داشت بطوریکه بخوردن گوشت آدم رسیده بود . کنفرانس لاهه در ۲۲ سرطان بدون نتیجه همانطور که حدس زده میشد خاتمه یافت . و از عجایب حوادث جوی اینکه در ۱۹ سرطان یعنی ۲۰ روز بعد از اول تابستان در البرانس برف بارید و خسارت زیادی وارد کرد قانون حفظ جمهوری آلمان تصویب شد و تنها حکومت باویر که مرکز سلطنت طلبان است مخالفت کرد . اهالی فلسطین برضد انگلیس که از یهود حمایت کرده و میخواست فلسطین را کانون ملی یهود قرار دهد برخاسته و چند کیسیون به اروپا فرستادند . مجمع ملل در اول اسد قیومیت فرانسه را در سوریه و لبنان و قیومیت انگلیس را در فلسطین و عراق تصویب کرده . یونان از ناچاری در صدد برآمد باسلام بول حمله کرده که ترکان را مجبور به مصالحه نمایند ولی فرانسه قبول نکرده و بشدت جلو گردید

روی همین هوای معطر و مطهر است که این پرچم مبارک باهتر از در آمده و همین نسیم جان بخش است که بر سه پرچم دول علیه اسلامیة وزیده و بعد از آن با عشق و نفوس ماوشنا رسیده و در دلهای ما اثرات نفحات انس می بخشد ، قلب من در این ساعت میمون احساسات يك شادمانی خبر میدهد ، اما شرح این بهجت فوق العاده را نمی توانم بیان کنم .

بلی بایستی همینطور باشد ، برای اینکه رنگ قرمز این پرچم معظم خدمات بزرگ تاریخی رجال اولی العزم اسلام را عموماً و وفدا کاریها و قربانیهای ملت غیور ترك را خصوصاً در انظار صاحبان ابصار مجسم میسازد ، و ما را متذکر مینماید که در زیر این لوای اسلامی چه جاهای عزیز سپرده شده وجه کارهای مهم باشرافه انجام داده شده است

هر چند بیری های مقدس اسلامی بواسطه بعضی علائم متمایزه مجازی ظاهراً متعدد بنظر میآیند لیکن در حقیقت همه يك اند و از يك اصل مبارک که لوای مقدس (محمدی ص) است فروغ و شعله یافته و بدست های حق پرست رجال فوق العاده اسلام بانهایت شوکت و عظمت برافراشته شده اند ، اری همه فروغ لوای مقدس (محمدی ص) هستند آن لوای محترمی که شرف و ناموس تمام مسلمانان بلکه ازادی و موجودیت تمام ملیان در زیر سایه آن محفوظ است ، آن علم اعظمی که اساساً برای اجرا و ابقای عدل اعما و افشای ظلم برپاشده و پیوسته با عدل و انصاف در حال صلح و با تمندی و اجحاف در حال جنگ بوده است ، آن بیرق جلیلی که در ظرف هزار و سیصد و چند سال با وجود تفرقه های ماضی و ظمیری و با وجود هزاران تهدیدت و تضییقات خارجی ، شرافت و حیثیت خود را با کمال سربلندی حفظ کرده . و امروز هم بهتر می تواند حفظ کند ، آن لوای اعلامی که برای جان فشاندن در ظل او سبها و اضافات ترك و افغان و ایران لازم نبوده ، و يك حقیقت واحد ایمانیه و جامعه متحده اسلامیة است از رایت فتح ای که امروز ترك و ایران و افغان و قاطبه مسلمانان بلکه بعض متحدين و دوستان ایشان بالاتفاق حاضرند که در سایه آن همه نوع خدمت و وفدا کاری نموده و با ازاد های تغییر ناپذیر و اصولی مستحکم و مشید بروی يك خط مستقیم قدم زنند و همه در این عقیده متفقند که بیرق مقدس اسلام همواره ظلم و ستم را بخون غلظانیده تعدی و توحش را بخاك مسذلت فکندند هیچگاه برخاك و خون مذلت نیفتاده و بعد از این هم نخواهد افتاد

حضرات ! ای دلهای پراز عجب ووداد ! ای دماغهای منور بافکار آزاد ! خدار احمد ! گذشت آن روزی که دشمنان بدخواه ما و تبارا از یکدگر جدا میساختند و آمد آن روزی که هیچ

قوه و قدرتی نتواند این اتحاد اساسی را متزلزل ساخته و در فیان آن رخنه اندازد

در نجا انجمنه شایان تعجید فوق العاده است فدا کاریهای مردانه ملت غیور ترك است که در سایه همین پرچم قرمز رنگ بهر سه شهود رسانیده اند و در حالی که متعبدین تجاوز کار نقشه محوملت ترك و اضمحلال عالم اسلام را کشیده ، موجودیت ترکان غیر آتمند طوری مرض اذام نمود که بیرق ماه و ستاره در خاک يك خراسان هم (که يك سرجمع مقدس روحانی تمام مسلمین است) برافراشته گردیده بدیده های تمام يك نظران رابانوار خود روشن و منور مینماید . بالجملة - این بنده عاجز معذرت میخواهم که سخن باطناب کشید ، ولی قلب من هنوز مملو از گفتگو است ، چرا که امروز یکی از ایام مشتعش تاریخی ما و شما و ملت نجیب ترك ، و روز مسرت عموماً مسلمانان است حرارت احساسات مقدسه ملیه دوازده میلیون نفوس ملت نجیب خودم افغان ، که دلهای پراز ایمانشان برای استقبال اینگونه ایام شرافتمند بانهایت جوش و خروش آماده و منتظر است ، طوری قلب این بنده را استیلا نموده است که هر قدر قوای خود را به تکلف جمع ساخته و در شرح و بسط آن بگویم ، اندکی از بسیار و واحدی از چندین هزار پیش ننگفته ام ، شاید آقایان مثال متبوع مقدس امیرالوالعزم ، اعلیحضرت (امیر امان الله خان غازی) را فراموش نکرده باشند که در روز امضای معاهده باحضرت فخری پاشا سفیر محترم اقره ، پرچم های مبارک اسلامیة را زیب بیکر خود فرموده اند ، هر حال آنچه عقیده يك و انصاف برادرانه ما دشما می گوید اینست که امروز همه ما مسلمانان و هم بعضی دوستان صمیمی ما برای هر نوع مساوت و مساعدت برادر عزیزمان ملت نجیب تركیه صمیمانه حاضر و آماده ایم

محاله بمناسبت همین ساعت مسعود برادران خودمان آقای سامی بيك باش شهیندر که در عین جوانی موهابشان خوش بختانه و شرافتمندانه در راه ملت سفید شده است ، و جناب ویس قونسل آقای تحسین بيك و معاون ایشان آقای فریدون بيك که این بیرق مبارک را برای افزودن قوت قلب و نور بصیرت ما و شما آورده اند و نیز برادران غایب مان عموماً ملت تركیه تبریکات صمیمانه گفته و ملیونها سلام می فرستیم و از خدای متعال اعتلای ایدی این بیرق مبارک هلال و ستاره را باقیام و دوام بیرق های مبارک محراب و منبر و شیر و خورشید منتهای آمال خود دانسته و از خدای متعال خواستاریم

درخانه با صدای صیحه می گویند : سر بلند باد لوی اسلام ! پاینده باد اتحاد اسلام ! زنده باد تاج داران و رجال نامدار اسلام ! برقرار باد روابط حسنه ترك و ایران و افغان و دوستان صمیمی ایشان ! (کف زدن و مسرت عمومی)

(حریق مدهش درمنده ن کابل)

پیل چهار شنبه ۵ سرطان در اطراف ساعت ۹ بعد ظهر در بازار عطاری منده ن به داخل دکان سندر سنکه نام عطار که از سمت (چولک) در رسته جهت مغربی دکان نجیم یاشم است آثار حریق بروز نموده است . می گویند : در همان ابتدا که هنوز آتش در دکان مذکور بحالت اشتعال نبود ، چند نفر از همسایه ها حریق را حس کرده پولیس های بازارها به چولک را به تخریب دکان مذکور و اطفای آتش دعوت و تکلیف کرده اند پولیسها بنا بر عانی که شاید مسئولیت آنیه باشد یا اقدام علت دیگر که در ضمیر داشتند ، اقدام به اطفای آتش فکر کرده قضیه را به اطلاع واستیذان از (قوماندانی) کوتوالی معلول داشته اند ، و نا آنوقت مردم را هم از اطفای حریق مانع شده اند معلوم است که نارسیدن اطلاع به مقامات عالی و حاضر شدن مامورین بلدی و قوماندانی و جلب عملیه اطفایی و انشاءات که در نواحی قریبه نبودند ، زمان درازی منقضی گشته و در این اثنا آتش به شعله افشانی مدهش آغاز نهاده و در اندک مدت از رسته مغربی به رسته مشرقی و از انجا به بازار برنج فروشی سرایت نموده است .

بعد از آن که قوماندان صاحب کوتوالی و جناب والی صاحب محل حریق حضور بهم رسانیده اند به احضار تلمبه ها و تلمبه چی ها و عملیه انشاءات حکم داده اند اما از تلمبه کاری گرفته نشد ، میگویند بعض اشقیای مجرای آب تلمبه را از چند جاقطع کرده بودند ، هرگاه چنین باشد معلوم است که امروز زنده این آتش شقاوت و مسبب این مصیبت همین اشقیای و اثر ابر بوده اند بعد از مدتی عملیه انشاءات و جناب محمد افضل خان غند مشر بالظامیان زبردست خود حاضر شده به اهدام و قطع دکانهای پرداخته اند اما فی الحقیقت خدمت بزرگی که در این سانحه نموده اند و در نتیجه آن حریق به همین قطعه محدود گشته ملازمین سفارت خانه دولت علیه ترکیه بوده اند که بمصیبت خود سفیر صاحب عالیقدر جلالتآب جناب فخری پاشا از همه مقدم تر بالوازم قطع و اهدام علی الفور حاضر شده در منتهای مجله به اصول غنیه در اطفای و قطع مسیر آتش جدیدت و فعالیت فوق العاده با کمال دلسوزی و ممدردی برادرانه ابراز داشته اند .

بالجمله بازار عطاری منده ن تا آخر که بخانه ها متصل

میشود و بازار برنج فروشی نادکانهائیکه سبزیهای خشک و تخم بقول می فروشد با قطار خانه هائیکه در دوطرف بازار برنج فروشی واقع است و جمله (۷۲) دکان و (۱۳) خانه میشود تماماً لقمه آتش گردیده . اگر چه اندازه حقیقی خسارتیکه ازین سانحه قضائیه و اهالی وارد شده هنوز معلوم نیست اما از (۵۰۰۰۰۰) روپیه کابل یا (۲۰۰۰۰۰) لیره انگلیسی کمتر نیست . این بود خلاصه معلوماتیکه در این قضیه اداره حاصل توانسته اما بعضی نکات قابل دقت مجهول است که در ان باب از دائره قوماندانی کوتوالی استیضاح می نمایم :

استیضاح از دائره قوماندانی کوتوالی

(۱) دکان اول از لجا و بجه صورت و از چه سبب آتش گرفت چرا زمستان نبود تا احتمال میرفت که شاید آتش صندلی که صاحب دکان از اطفای آن غفلت کرده سبب حریق گشته ، پیل خاک و کو کرد که باعث حریق میشود آن هم از مدتی است که در سائر بازارها نیست و خارج شهر دکانهای مخصوص دارد از اطراف و جوانب هم آتش نرسیده چرا در اینصورت بایستی ظهور سوخته کی در دکان اول ، از طرف خارج می بودنه از جهت داخل . ازین مقدمات واضح میشود که القاء آتش از طرف گروه اشترار و اشقیای بود که برای اغراض ملعنتکارانه دزدی و نهب اموال با آن اقدام نموده اند .

(۲) پولیس در تقییش فقره فوق چه اقدامات نموده آیا کسی را گرفتار کرده یانه ؟ و تپانه چولک درین باب چه میگوید ؟ (۳) آتش که در ابتدا جزوی و داخل یک دکان بود پولیس از کدام جهت معقول به اطفای آن اقدام نکرده ؟ هرگاه خوف مسئولیت آتیبه داشت حضور همسایه ها برای رفع شبهه کافی بود . نظریات ما برای آتیبه :

دائره بلدی را لازم است که این گونه تصادفات را همه وقت زیر نظر داشته از همین وقت ادوات و اسباب و عملیه که لازم می دانند تهیه و حاضر کنند . برای اطفای حریق عملیه مخصوصی لازم است که در چند نقطه شهر با همه اسباب لازم حاضر و آماده کار باشند برای عملیه (فائر پروف) از همه پیشتر لازم است تا بتوانند خود را قریب آتش برسانند و بتوانند زمانی مکت کنند پیل و کلند واره و تیشه و تلمبه ها با هر دسته یک مقدار کافی لازم است و نیز بومیه های که در اطفای حریق استعمال میشود و به مجرد انفجار عمارت را زیر و زبر و آتش را منطقی میسازد با هر دسته مقدار زیادی موجود باشد و اگر ممکن است که چند عدد موتر اطفای که تازه در اروپا ایجاد شده و مانند (تینک) داخل محل حریق رفته بهر طرف خاک می اندازد و آتش را فرو می نشاند

خواسته شود خیلی بهتر خواهد بود . عملیه اطفاییه و پولیس را نظریات و عملیات اطفای حریق و اتخاذ و اجرای تدابیر لازمه فنا تعلیم شود و همه وقت آنها را تحت مشق و تمرین و تجربه و اختیار باید داشت و گاه گاه بی خبریه یک قطعه جلب و به اقدامات مصنوعی امر باید داد . پولیسها را قوانینی که راجع به اینگونه قضایاست باید آموخت که در چنین موارد چه باید کرد چون که در هر نقطه شهر نلهای آب موجود است حاجت ندارد که تلمبه را بدریا و یا کدام خندق گذارده مردم را به تحریک و استعمال آن تکلیف دادند تلمبه به دهانه نل آب وصل شود آب آن خود بخود جریان و فوران می نماید در اطفای حریق که آتش بحالت اشتعال باشد بواسطه تلمبه آب بر روی شعله های آتش زده نشود بلکه ابتدا به قطع مسیر آتش اقدام باید نمود و چون آتش فرونشست بعد از آن بواسطه تلمبه بروی آن آب باید پاشید تا ملر خاموش شود و نیز برای عملیه و ادوات اطفاییه تلفون هم تمهید و رسانده شود .

از همه مهم تر این است که چون در یکی از نقاط حریق واقع میشود اشترار دست نطاول را آتشوده ببردن اموال و انتقال دکانه و همراهات جسارت می ورزند پس باید که بلدی به برای جلوگیری ازین امر یک منصبدار دینداری را با چند نفر پولیس جرار معین داشته باشند که آنها باتفاق چند تنی از عمائد و وریش سفیدان و صاحبان خانه ها و دکان اموال و انتقال و اسباب لازم را از محل محروقه بیک اصول درستی حمل و نقل نموده بیک موضع محفوظی گذارده لوازم بهره و تحفظ چنانچه شاید لیزر هایت شود و اشخاص لاهالی را هم از تماشاچی را بگرد و پیش محایکه آتش گرفته اهدا نکند از آنکه که تقرب و عبور کنند .

نکته دیگر که اهمیت زیاد دارد و قابل التفات و اهتمام تمام است آن است که اسباب زیادت حریق و بزرگی مصیبت آن مخصوصاً در شهر کابل یکی این است که مواد تعمیریه دکانها و خانهها تماماً چوب می باشد خصوصاً از بازار برنج فروشی که سطح و سقف و دیوارهای آن کاملاً چوب است و در حریق علت و عمد واقع میشود باید که بلدی به برای تعمیرات جدیده شهر و دکانها قواعد و اصول نقشه درستی را بدست مالکان آن بدهد که همان اصول تعمیر کنند این دکانهای محروقه که حالیه تعمیر میشوند می باید به شکل کتید باشد و مواد چوبی حتی الامکان در ان استعمال نشود خصوصاً در محل تلافی و اتصال یک دکان بدکان دیگر و روی دکانها عوض نمخته های چوبی دروازه و روی آن آهن جادر باشد (مثل دکانهای پیل خاک و کو کرد فروشی) و نیز هر جا که چوب است روی آن نمخته آهنی

گرفته شود اگر چه يك دکان باین قسم تعمیر فی الجمله وجه زیادی میخواهد اما مالك آن از این خطرات همه وقت حتی الامکان مطمئن و محفوظ می باشد و در اینصورت مالك دکان می تواند که در مقابل خرج زائد تعمیر دکان مبلغی در گرا به دکان بیفزاید . امان افغان بعد از اظهار ممدردی باین اهالی مصیبت زده که بعمارات و دکانهای شان آتش رسیده ، برای اموال و ائقال شان خسارت مائده آمده است ، حاضر است که يك جهان تشکر و امتنان خود را بمحضرت لری افغمن انجب آقای فخری پاشاه سفیر و دیگر اعضای موقر سفارت خانه مفخمه ترکیه که درین سانحه مدهشه ثبوت اخوة و ممدردی ، و حسیات صمیمت و یگانگی خود هارا برادران اسلامی افغانی شان ابراز داشته نتهای اهالی کابل بلکه تمام افغانان و اسلامیان را ازان وضعیت شفقت کارانه خود مسرور نموده اند ، اداء نموده ازان حضراتیکه درین واقعه هائیکه اظهار فعالیت و ممدردی نموده اند نیز اظهار مسرت کنند و برای این اهالی مصیبت رسیده خسارت کشیده شهر عزیز خود کابل و برای آن ذواتیکه درین واقعه ابراز ممدردی نموده اند اجر جزیل و ثواب جیل را مسلت نموده دست خیانت پرست آن اشقیایی را که در اشتعال این نازه حائل السوز کار کرده است علاوه از عقوبت خداوندی و باز پرس ایزدی بمجازات و باز پرس حکومت عادل افغانی خود نیز بسته و شکسته خواهان است :-

مجلسین فن پله کشی

(مجلسین فن پله کشی)

شا کردانیکه به فرا گرفتن فن پله کشی و استخراج ابریشم نزد يك نفر قاضل ایطالوی مشغول تحصیل بودند در این روز ها امتحان تحصیلات خود هارا داده همه شان کامیاب گشته شهادت نامه گرفتند . اکنون مشغول عملیات می باشند . (مجلسین مکتب قضات)

در این روز ها در مکتب قضات امتحان طلبیه آن گرفته شد چند نفر که در امتحان فائز گشتند بعضی به قضا و بعضی بقضا مقرر شدند .

(شرکت نمرد)

قبلا از انعقاد يك شرکت نوشته بودیم - شرکت مذکور مسمی بشرکت نمرد گشته . موضوع تجارت آن فروش میوه های افغانستان است در مالک خارجه . سرمایه آن (۳۰۰۰۰۰) روپیه کابل است و مراسم آن (۱۰۰) روپیه کابل است آن شهر کابل است لائحه قانونیه آن بطبع رسیده است .

(شرکت امانیه)

بعد از شرکت تهریک شرکت دیگر تشکیل یافت که اسم آن شرکت امانیه گذارده شده و موضوع تجارت آن سنگ لاجورد و جواهرات و قالین و امثال آن است سرمایه آن (۱۵۰۰۰۰۰) روپیه و هرسال آن (۱۰۰۰) روپیه است . مرکز آن شهر کابل است لایحه قانونیه آن هم به طبع رسیده است .

(وزارت ها در صیفیه بقمان)

امسال هم مثل سال گذشته وزارت ها و اداره ها که مربوط است به آنها تاریخ ۲۴ جوزا برای گذراندن ایام کرمانه بمقان رفتند ازین بعد همه ساله وزارت ها هنگام صیف به بمقان میروند .

(حریق)

بوقت شام چهار شبه (۲۰) جوزا در کوجه اعظم خان شهر کابل خانه محمد قاسم خان نام آتش گرفته سوخت .

(وفات)

تاریخ (۱۳) جوزا جناب نجابت و سیادت بنام سید محسن آقای قندهاری که یکی از رجال مشهور قندهار بودند و از جنبه روحانیت مردم باو عقیده می پروراندند و ذاتاً یک شخص بسیار شریف و شیرین طبع آزاده منش بودند ازین دنیای فانی به عالم جاودانی رحلت نمودند (انالله و انا الیه راجعون) اللهم لانحرمننا اجره و لا تقننا بعده و اغفر له و ارحمه رحمة واسعة

(ایضا)

حسن حلی افندی ترك که در فن حکاک مهارت تمام داشتند و در زمان اعلیحضرت شهید وارد کابل شده به تعلیم این فن مامور گردیده بودند در این ایام وفات کردند (اللهم اغفر له)

عید فطر در پاکستان

(عید سعید فطر در پاکستان)

تاریخ بوم جمعه ۲۷ ثور ۱۳۰۲ مطابق ۱۸ ماه می ۱۹۲۳ روز اول عید فطر قریب دوسه نفر مسلمان افغانی ، هندی مصری ، و نومسلم های انگلیزی در مسجد و کنک (قریب ۳۰) میل دور از لندن) برای ادای صلوات عید تشریف آورده بودند بعد از ادای نماز جناب مبلغ فاضل خواجه کمال

(تقدیم اعتبار نامه)

وزیر مختار جدید دولت ایتالیا مامور ایران هفته گذشته وارد طهران شده و چند روز قبل بوزارت امور خارجه آمده آقای وزیر امور خارجه را ملاقات و مراسم پذیرائی بطوریکه درخور نمایندگی دول کامله الوداد بوده بعمل آمده بود . برای تشریف حضور ملوکانه و تقدیم اعتبار نامه بر حسب وقتیکه قبلاً تعیین شده بود بعد از ظهر روز گذشته که موکب اعلیحضرت شهرباری از فرج آباد قصر گلستان نزول اجلال فرموده مراسم تشریفات بطور معمول از طرف دربار تهیه و رعایت احترام و تجلیل از کالسکه سلطنتی و سواران نظامی و آژان پیاده و سواره و عملجات اصطبل خاصه و موزیک مخصوص پدربار حضور بهرسانده بعیت آقای وزیر خارجه و رئیس تشریفات شرفیابی حاصل نموده پس از ادای مراسم و عرض خطابه شفاهی مبنی بر حسن روابط و دادیه و اصفای جواب شافی از طرف اعلیحضرت اعتبارنامه خود را تقدیم و پس از حصول اجازه مرخصی حاصل نمودند .

(صرف افطار)

از طرف وزارت امور خارجه ایران برای شب بیست و هفتم رمضان جهت موقع افطار و صرف شام هیئت وزراء عظام و نمایندگان محترم دولتین اسلامی عثمانی و افغانستان در عمارت وزارت خارجه دعوت شده از طرف آقای وزیر امور خارجه پذیرائی بعمل آمد .

(انتخاب وزیر مختار)

بر حسب تصویب وزارت امور خارجه ایران آقای صدیق السلطنه که سابقاً مامور دربار و اشکنتین و چندی هم در مادرید بوده اند بسمت وزیر مختاری دربار بران تعیین شده اند .

(قرار داد تجارتنی ایران و روسیه)

مسکو ۲۹ - در جلسه کنفرانس روس و ایران جمیع عملیات عقد قرارداد تجارتنی مطالعه شده تقریباً تمام مواد تهیه و تدوین شده اند انتظار میرود که آخرین جلسه در همین روزها انعقاد یابد رئیس هیئت نمایندگان روسیه در مساجبه با مختار اژانس تلگرافی روس اظهار داشت که حل قضیه در همین روزها انجام خواهد گرفت روشنی که در محافل تجارتنی و صناعتی روسیه مشهود میشود نتیجه مستقیمی است که از حل این قضیه که مدتها آرزومندان بودند وهم چنین از مساعدتهای تجارتنی که روسیه عملاً نسبت بایران معمول میدارد عائد شده است مساعدتهای مزبور

کابینه جدید ایران

مشیر الدوله	رئیس الوزراء
اعتلاء السلطنه	وزیر داخلیه
سردار سپه	وزیر حربیه
مصدق السلطنه	وزیر خارجه
ذکاء الملک	وزیر مالیات
فهم الملک	وزیر پسته و تلفون و تلگراف
حکیم الملک	وزیر عدلیه

حائز اهمیت عظیم و هجوم اجناس تجار ایرانی بروسیه و زرق سریع قیمت مواد خام ایران این مسئله را اشکار و مبرهن میدارد . رئیس مجلس تجارتنی روس و شرق عمالقرب بطرف طهران حرکت می کنند که یک سلسله اقدامات مربوطه بشرکت تجارتنی روس را در تابشگاه تصریح و روشن سازد .

ورود قوای انگلیس در جنوب ایران

چنانچه اطلاع رسیده و در مجلس شورای ملی نیز اظهار شده است اخیراً هشتصد نفر از قوای نظامی انگلیس به بنادر جنوب پیاده شده اگر چه هنوز کاملاً از علت ورود قوای مزبور اطلاعات کافی در دست نیست ولی شایع بود که قوای مزبور برای قتل زار خضر خان سنکستانی آمده است قراریکه از بعضی منابع رسمی اطلاع حاصل شده ورود قوای انگلیس مربوط باین قضیه نبوده و بدین مناسبت که ذکر شده غاری از صحبت است .

(انگلیسها در بین التهرین)

بقداد - در طی ضیافتی که بمنوان تودیع در بقداد داده شده بود سر پرستی کا کس در جواب ساعری که سلامتی وی نوشیده شد چنین اظهار داشت که من مطمئن هستم انگلیسها چندین سال دیگر نازمانیکه عراق بتواند قائم بنفس شود در عراق خواهند ماند و چنین اظهار عقیده نمود که احتمال کلی دارد مسئولیت انگلستان تا چهار سال دیگر خانه پیدا کند .

(فرانسویان در مراکش جنگ بزرگ)

پاریس - قوای فرانسه جدا در نظر دارند قبایل باقی مراکش را مطیع کنند و دست بعملیات مہمی در این نواحی بزنند که از سال ۱۸۷۵ از موقع جنگ با الجزیره تا حال نظیر نداشته است عدده کلبه قشون فرانسه از پیاده و سواره و توپخانه و قوای هوائی به بیست و پنج هزار نفر بالغ میشود که در قسمتهای مختلف مشغول جنگ خواهد شد و ریاست آنها با یونگرو خواهد بود ، منظور آنها منقاد کردن پاره قبایل است که از همه مهم تر بربرها هستند که عدده آنها به (۱۲) هزار نفر بالغ میشود ، بربرها حالیه در جبال جنوب (تورا) استحکامات دارند و فتوحات اخیر ترکها و شکست اسپانیولها در (ریف) و اعلان استقلال مصر آنها را تحریک مجدال نموده است . عملیات قوای فرانسه بوسیله حرکت دو ستون قشون شروع میشود که از (تزوت) و (انزبل) حرکت خواهند کرد و قوای غیر منظم و بومیهای مساعد با آنها کمک خواهند کرد .

ترقی روسیه

مسکو ۲۲ - روفسور چین امریکائی در مصاحبه با خبرنگار از ترقی بی نظیر روسیه در مدت دو سال اخیر اظهار تعجب نموده و مخصوصاً از پیشرفت تأسیسات نمایشگاه فلاحتی حیرت کرده و آنرا مقدمه آتی درخشانی نامیده است .

(در جمهوریهی ساوتی)

مسکو ۲۵ - روز نامه اینروز سنیا در ذیل مقاله تحت امضای (ناظر) ، راجع به تظاهرات خصوصت آمیز دولت لهستان (پولند) اشعار میدارد که لهستان باید این نکته را بفهمد که با تحریکات و تهدیدات نمیتواند روسیه ساوتی را بترساند ، منافع اقتصادی لهستان باید دولت مشارالیه را بالصراف از سیاست تهاجمی نسبت بروسیه وادارد . به مدح جریده منبوری تحریکات اولسکی وزیر لهستان را بیان میکند که مشارالیه سعی داشت مناسبات روسیه و لهستان را تیره و دولت ساوتی در احضار وی اصرار میورزید ، روز نامه مصوبه کنسکره خربیی اشاره کرده تذکر میدهد که ماجراهای موقتی طرفداری در روسیه ندارد لیکن روسیه استقلال داخلی خود را با تمام وسائل حفظ کرده و مداخله اجانب را بهیچ وجه اجازه نخواهد داد .

(نطق زونسکی)

در کنکرة حزب کونیست مسکو زونسکی راجع بصناعت مملکت لطنی ایراد نموده و متذکر گردید که مقاصد ممدتیکه سیاست اقتصادی تعقیب میکند همانا ترقی قوای مولده مملکت است که آنرا به مجرای سوسیالیستی راه نمائی کند قلت منافع صناعت بواسطه مخارج هنگفتی است که دولت در روبراه کردن صناعت بعد از خرابی آن متحمل گردیده است و ترو نسکی در سخنان لطنش حاضرا را به جهل در فرونت اقتصادی دعوت کرده و اظهار اطمینان نمود که کونیست ها ققروبی چیزی را از روسیه بیرون رانده و دست رده سینه سر بانه خواهند زد . لطنی ترو - نسکی بادت زدهای سوراکنیزی تلقی گردید .

(فوقیت قوه بحریه امریکه)

اگرچه دولت برطانیه در درانی کروزرها و کشتی های بحریه فوقیت داشت اما جهاز جنگی نیلشپ و کشتی های نارپیدو و کشتی های آبدوز امریکه بر جهازات تمام دولت دنیا فوقیت دارد حالیه نزد امریکه ۳۱ جهاز جنگی کلان و نزد جاپان ۱۱ عدد جهاز کلان جنگی موجود میباشد عده کشتی های نارپیدو امریکه

(۳۱۸) و از انگلیس (۱۸۴) و از جاپان (۷۶) است باوجودیکه عده کشتی های آبدوز امریکه نسبت به تمام دولت دنیا زیاده است با این هم روز بروز درازاید و ترقی آن می گویند

(پروپاغند برطانیه برخلاف روسیه)

اطلاعات سرکاری مسکو نسبت به برطانیه اظهار می نماید که دولت انگلیس در مشرق برخلاف روسیه پروپاغند می کند چنانچه در همین نزدیکها وکلای برطانوی یا باسجهی های اغلب پسند ترکستان وعده نموده اند که انگریز برخلاف روسیه هر گونه امداد و معاونت با آنها خواهد نمود

در بدل این وعده رئیس باسجهی ها بر تمام علاجات خود سیادت برطانیارا تسلیم نموده و مراعات تجارتهی را برای اقبول دارنده است و نیز در اخبار سولیتا مرقوم است که باسجهی ها به وکلای انگلیسی متمسک شده اند که هیچگونه قرارداد و معاهده بدون مشوره و رضامندی برطانیا با احدی عقد نخواهند بست و نه بدون از انگریز از دیگری اسلحه خواهند خرید



(ناول مان لسک)

(۴)

از انجائیکه از عقل و هوش (نیروز) در خوف و هراس بودم باو ماموریتی داده خواش نمودم قبول فرموده در پی آن کار رود و چون به مهمانخانه رسیدم شاد و خرم شدم که با ما لک مملکت دلوران خود تنها خواهم بود و بدون زحمت اغیار سخن خواهم گفت همانم ملتفت شدم که حالت طفولیم پیش از آنست که کان میگردم هزار قسم عشق و شادی در قلمم پرور افکندند که هرگز خیال نمی نمودم حرارت ملایمی شرایین و آورده امرا فرا گرفت حالت هیجانی برای من دست داد که از خود بدررقم مدتی آوازم بسهولت وآسانی برنی آمد مقاصد قلبیهام جز از گردش چشم فهمیده نمیشد آن دختر عذیم المثال که خود را تمام مشهور بباد موازل (مان لسک) میخواند از اثری که جلوه و دلربائی وی در من نموده بود محظوظ و مسرور شد چنین بنظر رسید که او هم چون در بحر بحر و فکر فرورفته اقرار و اعتراف نمود که مسالست بخود مهربان

سهولت تکدیری را که از ملاقات وی حاصل نموده بودم کشف کرد

بدون پرده پیوسته و زمانه سازی گفت میباید بلکه تحقیق رسایدهام که خیالی بختی که بیخواستی ازین عشق ماری ولی رازک رخسار خیر میدهد از سر ضمیرت جواب او را بسختی دادم که هم مراکز مجبور نبودهام و نخواهم بود که تمام خیالات خود را بشما بگویم و از افکار و افعال خود بشما حساب پس دم گفت نه مقصودم این نبود اما شما همیشه مرا دست حقیقی و رفیق شفیق خود خوانداید حال از این عقیده شما چنین برمیآید که حزنی اعتمادی و مختصر اشنائی پیش مان ندارد تقدیر در کشف اسرار من اصرار کرد و مدت ابرام را از حد گذراندید که هیچ قسم تاب مقاومت باوی نیاورده تاچار هوا و هوس و خیالانی را که بختی بودم سراسر از برای او شرح دادم سخنم را چنان با سردکی وی میل گوش داد که گواز مشاهده حالت وی لزوم براندام اقتصاد بشیمان شده که چرا سر خود را فاش و خیال قرار خود را بدو مکشوف ساختم من گفت دوستیم با تو بعد کمال است و ناممکن است نمیخواهم قدرت و بر دستی با خیال تو ضدیت و مخالفت تمام میخواهم اول آنچه را لازم می شمارم بشما بگویم شاید بسختان پند آمیز ترا از این راه ناصواب بر گردانم هرگاه بدین طریق نتوانم این خیال پست ناپسندیده را تغییر دهم مجبور خواهم بود که اشخاص مخصوصی را که میدانم خریدم که جبراً و قهرآ از شما جلو گیری نمایند آنگاه سخنان حکیمانه آغاز کرد و بند های مشفقانه پیش از یک ربع ساعت سخنش بطول انجامید در ختم کلام بهمیدم نمود آنرا که سخن او را نشنوم رازم را فاش سازد و اگر حرفش را نشنوم و بفعل و دانش نکرایم مجبور خواهد بود اشخاص غمخوار را از حال من آگاه سازد که از روی قدرت و برتری از این راه باز دارنداز خطای خود که سر خود را بموقع بدو فاش کردم بشیمان شدم اما از انجائیکه دوسه روز بود که عشق به دایره هوسم توسعه بی اندازه داده بود قدری در تفکر فرو رفته و در بحر خیال غوطه زدم که بلکه چاره بدست آورم و از دست ضرب وطن و نصاب دوست خود که بکام تلخ تر از زهر ملامت می آمد فرار کنم یک سر به محاطر آوردم و بکرامت عشق این مسئله بمن کشف شد که در زمان بروز سر مکنون خود به (نیروز) تکلفه ام که مقاصد خود را فر داصبح بحری خواهم داشت و صبح علی الطلوع با شوقه

یافته و بی اندازه ممنون و مسرور خواهد شد که او را از این بلیه نجات دم خواست مرا بشناسد و بداند من کیستم و چون مرا شناخت محبتش بمن افزوده شد زیرا خود او از خانواده متوسط الحال بود و چندان فوق العاده نجابتی نداشت خود را متفخر یافت که چون من عاشق هواخواهی را بدم خود آورده باری آغاز سخن کرده از در چاره جوئی برآمدیم که از یکدیگر جدا شویم پس از مدتی فکر راه دیگری قرار نیافتیم ولی اول میبایستی راه تعرض و تعقب مستحفظ او را که اگر چه سردی نوکر ولی در کار ساعی و مواظب بودیم تا عاقبت قرار برین دادیم که بگویم شبانه کالسکه پستی تهیه نمایند و صبح بسیار زود قبل از آنکه مستحفظ آن دختر بیدار شده باشد خود را عمرانه از آنجا بدر بریم و مستقیماً بسمت پاریس حرکت نموده در آنجا بساط عروسی چیده عقد تزوجت با یکدیگر بر بندیم من فقط پنججاه (اگو) با خود داشتم که ذخیره قناعت من بود ، و آن دختر تقریباً دو برابر من پول داشت مانند اطفال بی تجربه چنین تصور میکردیم که این مبلغ مرا کز تمام نخواهد شد و هیچ نقصانی در احوال و آنجا سیر ما زومات خود کان نمیبریم

بعد از آنکه شام میل و مسرتی صرف شد که مراکز ذائقه ام احساس نکرده بود برای اجرای مقصود خود بیرون آمدم تزییبات حرکت من سهل و آسان بود زیرا چون میخواستم فردای آن شب بخدمت پدر خود مراجعت تمام مختصر اسباب سفر خود را مهیا و آماده ساخته بودم پس زحمتی بجهت حمل و نقل بار خود نداشتم و ممکن بود که کالسکه پست را بسپارم در ساعت پنج صبح که وقت کشودن دروازه های شهر بود حاضر سازند اما مانعی بر این پیش آمد که هیچ خیال آنرا نمیکردم و نزدیک بود خیالاتیکه بختی بودم بکلی باطل وضایع شود با آنکه (نیروز) فقط دوسه سالی از من بزرگتر بود ولی در جوانی پیر و در غور کی مویز بود رفتاری بس پسندیده و کرداری حمیده و بمن محبتی فوق العاده داشت منظر دختری مامروی ماده موازل (مان) کسفی و عجب من در همراه بودن با او و سستی و اهتمام که در طرفه زدن از (نیروز) و دور نمودن وی داشتم برای او تولید خیالی نمود و عشق مرا حدت زد اما جرئت نمیکرد بمهمانخانه که مرا گذاشته و رفته بود باز گردد که میباید معاونت او به حسب رنجش خاطر من کرده و لابد از عودت بمهمانخانه صرف نظر نموده بمنزل من رفت و منتظر ورود من شد پس از آنکه وارد خانه شدم با آنکه ساعت ده شب شده بود وی را در آنجا یافتم ملاقات او مرا آفرده خاطر ساخت بکمال

نداشتم ، سورجیهای و مهر باهاش که در مهمان خانه های رامارا می پذیرفتند بدیده تجیر بماینکریستند واضح میدیدم ازان است که می بینند در طفل بسن مانا بخدجنون بهم عشق مینورزم در (سنت دنی) خیال وصات و تراوجت از سر ما بدررفت قواعد شرعیة کلبه سارا سه نلاق گفته وبدون تحمل وتفکری من شوم او و وی زن من شد مسلماً بواسطه آن طبع ملایم و رای نابی که مراست اگر (مانن) کر و وقت می کردید و عهد فراموش نمیکرد همه عمر از بخت خود شاد میبودم هر قدر پیشتر اطلاع بحال او میدافتم مهربان تر و مطبوع تر بنظر می آمد از زهوشی و قلب صاف و ملایمت طبع و طراوت و خوشکلیش زنجیر ظریفی ساخته بود که تمام افتخار و شرف خود را از دست میدادم که حلقه آن زنجیر بای بدر نهم و ازین بند و سلسله مرا که خلاص نشوم عجیب تقیر حالتی برای من دست داده بود آنچه امروز موجب ناامیدی من شده ممکن بود اسباب سمادت من شود بواسطه همین ثابت قدمی که در راه عشق داشتم مقصدان بودم که خوشبخت ترین مردم باشم و بزرگترین اجر و بهترین پاداش را از حضرت عشق حاصل نمایم ولی افسوس که امروز خود را بدبخت ترین عالم می بینم - (باقی دارد)



اخطار اداری

حضرات مشترکین معظم آنچه از وجه آجوه مان امان افغان از سال گذشته و سال روان نزدتان باقی مانده امید میرود که هرچه زودتر تادیه فرمایند و ما را از تقاضای بسیار و نوشتن مکاتبات تکرار زیاد بر این تکلیف ندهند که فرصت هم نداریم و چون از باب مناصب و رواتب مواجب قسط اول سال را درین ایام گرفته اند کیسه ها بی پول نبوده در چنین وقت تادیه يك مبلغ جزوی تکلیفی هم نخواهد داشت .

خود قرار خواهم کرد انگاه بش خود کفتم که بحرف مبعی ممکن است دوست خود را کول زخم و شر او را از سر خود بکنم پس خطاب با او کرده کفتم ای (پیروز) ناحاک کان میگردم که تو دوست حقیقی منی و میخواستم سری رنو شرف ساخته تو را بیاز مایم راست است که من زن را دوست میدارم و ترا در این مسئله فریب نداده و بتو دروغ نگفتم اما در مسئله راجه من این خیال نیست که کور کورانه و خود سرانه بموقع اجرا گذارم فردا در ساعت ۹ صبح بیامرا ملاقات کن اگر ممکن باشد آن ماه رخسار را بتو مینامم یعنی معشوق سیمین بدن خود را خود حکم شو و حکم کن که آیا درخور و شایسته آن هست که برای خاطر وی اقدام بچنین امری کنم پس از اظهار امتنان از درستی و یک جبهی من را تنها گذاشت و سر خود را گرفته رفت تمام شب را بترتیب و تنظیم کارهای خود صرف نمودم نزدیک بطلیعه آفتاب به (هتلی) که منزل موماد موازل (منن) بود رفتم وی را منتظر و مقصد ورود خود یاقم دم پنجره که مشرف بکوچه بود بطریق ایستاده بود که مرا از دور مشاهده نموده جر داد آمد در را بروی من بکشود بدون همه و صدائی با هم بر روی آمدیم غیر از ملبوس خود اسبابی بهمراه نداشت آترا هم خود من حمل نموده کالسه که راهش در شرف عنایت بود می نگذشت که از شهر دور شدیم الشاه الله در ضمن سر گذشت خود اقدامات دوستانه و رفتار شفقانه (پیروز) را شرح خواهم داد که پس از آنکه او را فریب داده ام از حدت انحاء و یکجبهی و غیرت خود ذره نکاست مشاهده خواهد فرمود که بچه اندازه غیرت از خود بروز داده مروت بفکر پاداش و تلافی امری یاقم عالم بی اندازه منقلب میشود و وسیل سرشکم بر خواره جاری میشود

چنان در طی مسافت و ناختن کالسه عجله و شتاب نمودم که قبل از غروب آفتاب وارد (سنت دنی) شدیم من سوار بر اسبی بودم و پهلوی کالسه محبوبه خود میتساختم بطوریکه غیر از سواقم عوض نمودن اسبها مجال و وقت هجرت کردن باید یکدیگر را نداشتم اما وقتیکه خود را نزدیک پاریس یعنی قریباً در امان یاقم موقعی بدست آوردم که مبردی بنوشم چه از زمان هجرت از (آمین) تا آن ساعت هیچ چیزی نخورده بودم بهمان طریق که من به (مانن) عشق می ورزیدم او هم مرا مطمئن ساخت که مهر و محبت او هم بمن کمتر از عشق من بدو نیست در باز کشیدن و دل بدست آوردن از یکدیگر بدرجه ناشکیبا و بیتاب بودیم که آنی طاقت تنها ماندن از همدیگر را